

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره پنجاه و سوم، تابستان ۱۳۹۸: ۱۶۰-۱۳۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵

تکوین هویت اجتماعی در داستان «عطر سنبل، عطر کاج»

بر مبنای نظریه عمومی طنز کلامی

* فاطمه مظفری

** نوید فیروزی

چکیده

«عطر سنبل، عطر کاج»، ترجمه فارسی خاطرات فیروزه جزایری دوماست که بر اساس تجربه اجتماعی منحصر به فردش به عنوان یک مهاجر ایرانی ساکن آمریکا نوشته شده است. در این پژوهش، مؤلفه‌ها و مکانیزم طنز داستان یادشده بر اساس «نظریه عمومی طنز کلامی» آتاردو بررسی شده است. در این روش، متغیرهای به کار برده شده برای بررسی یک روایت طنز به شش دسته زبان، هدف، موقعیت، شیوه روایت، مکانیسم منطقی و تقابل انگاره تقسیم می‌شود. در پژوهش حاضر با تکیه بر متغیر هدف نشان داده شده که فیروزه جزایری چگونه با هدف قرار دادن افراد برون‌گروه و درون‌گروه به معرفی رفتارهای مناسب و نامناسب اجتماعی که با آنها مواجه بوده، پرداخته است و به هویتی جدید و انتخابی می‌رسد؛ هویتی که نه او را از ارزش‌های گذشته خود دور و نه او را در فرهنگ جدید گوشه‌گیر و منزوی کند. طنز کلامی جزایری دوما می‌تواند موجب ایجاد همبستگی گروهی بین خوانندگان نژادهای مختلف و به‌ویژه مخاطبان زن شود. به علاوه در روایت طنزآمیز او، «هدف» در جایگاه بالاتری نسبت به «تقابل انگاره» (متغیر ایجاد خنده) قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: طنز کلامی، هویت اجتماعی، ادبیات مهاجرت، جزایری دوما و عطر سنبل عطر کاج.

* نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و دروس عمومی، دانشگاه صنعتی شاهرود

** استادیار گروه زبان و دروس عمومی، دانشگاه صنعتی شاهرود

mozafari.ut@gmail.com

navid.firouzi@googlemail.com

مقدمه

طنز از آنجا که طرز برخورد ویژه‌ای با موضوعات دارد، یک نوع ادبی مستقل محسوب می‌شود (حلبی، ۱۳۷۷: ۵۶) و نیز آن را به عنوان یک ابزار بیانی در ادبیات به شمار می‌آورند. نمونه‌های طنزآمیز شعر و نثر ادبی در ادبیات کهن فارسی، بسیار فراوان است. اما در این نمونه‌ها، اغلب طنز، ژانری مستقل نیست و از گونه‌هایی همچون «هجو» و «هزل»، جدا و مستقل نشده است (همان: ۱۶).

مهم‌ترین و مشهورترین آثار طنزآمیز ادبیات کلاسیک فارسی، آثار عبید زاکانی است که در آنها، مرزی میان طنز، هجو و هزل و بذله‌گویی بی‌هدف دیده نمی‌شود. نخستین نمونه‌های آثار طنز در ایران - با تعریفی که امروز از طنز داریم - را می‌توان در ادبیات مشروطه و پس از آن دید. مقالات مشهور دهخدا که با عنوان «چرند و پرند» شناخته می‌شود، از جمله این نمونه‌هاست. هر چند - چنان‌که اشاره شد - طنز و گونه‌های مشابه آن در ادبیات فارسی، سابقه‌ای طولانی و نمونه‌هایی متعدد دارد، در حوزه نظریه‌پردازی در باب طنز و تحلیل علمی آثار این نوع ادبی، کاری انجام نگرفته است. در این مقاله به معرفی و آزمون یکی از مشهورترین تئوری‌های تحلیل آثار طنزآمیز خواهیم پرداخت.

بیان مسئله

یکی از راه‌های شناساندن هویت خود به دیگران، نوشتن افکار و تجربیات است، تا آن که را هستیم، به دیگران بشناسانیم. محتوای اینگونه نوشته‌ها و شیوه‌ای که ما انتخاب می‌کنیم، نشان می‌دهد که چه کسی هستیم و چگونه می‌خواهیم خودمان را معرفی کنیم. خاطره‌نویسی ادبی به عنوان یک نوع^۱ ارزشمند در این حوزه قابل توجه است. نسخه انگلیسی خاطرات فیروزه جزایری دوما - که در این پژوهش بررسی شده است - در حال حاضر بخشی از سرفصل درسی در دبیرستان‌ها و کالج‌های آمریکاست و در فهرست کتب پیشنهادی C.R.R.^۲ برای سال‌های ششم تا دوازدهم مدرسه قرار دارد. وجه برجسته اثر جزایری دوما، برخورد طنزآمیز با خاطرات، به عنوان یک زن مهاجر است.

1. genre

2. California Recommended Reading

فیروزه جزایری دوما، مهاجر ایرانی-آمریکایی، از نخستین نویسندگانی بوده که در روش و سبک بیان (به‌ویژه از نظر نوع نگاهی که به مهاجران و وطن دارد) سعی کرده است تا شناخت درست‌تر و بازنمایی واقعی‌تری از فرهنگ و هویت ایرانی ارائه کند. او در نوشتن زندگی‌نامه خود، از طنز برای شناساندن خود به افرادِ درون‌گروه (ایرانیان) و برون‌گروه (غیر ایرانیان) استفاده کرده است. به نظر می‌رسد که جزایری دوما در به کارگیری طنز در بیان خاطرات خود، هدفی را دنبال کرده است. در تجزیه و تحلیل این متن بلند طنزآمیز از تئوری عمومی طنز کلامی-که روشی علمی در بررسی متون طنزآمیز بلند است- استفاده شده است.

پرسی که درباره این اثر می‌تواند طرح شود آن است که نویسنده «عطر سنبل، عطر کاج» از چه شیوه‌هایی در طنز خود استفاده کرده است و آن شیوه‌ها برای رسیدن به چه اهدافی به کار گرفته شده است؟ پرسش دیگر آن است که آیا نظریه عمومی طنز کلامی، در عمل قادر به تحلیل این اثر طنز بلند و یافتن نتیجه هست؟

پیشینه تحقیق

هویت نویسنده «عطر سنبل، عطر کاج» و تأثیر مهاجرت بر هویت او با رویکردهای متفاوتی مانند ساختارشکنی (ر.ک: مرندی و امیری، ۱۳۹۳)، استعماری و پسااستعماری (ر.ک: علینقی‌زاده، ۱۳۹۳؛ Nojournian, 2014) به صورت مستقل یا تطبیقی در تحقیقات مختلفی تحلیل و بررسی شده است. استفاده از طنز در بیان خاطرات، مهم‌ترین ویژگی «عطر سنبل، عطر کاج» است.

های (۲۰۱۸) به جنبه‌های مثبت طنز در خاطرات جزایری دوما پرداخته و معتقد است از آنجا که خنده باعث ایجاد تحولات عاطفی و شناختی در بین مخاطبان می‌شود، این اثر کار فرهنگی مهمی در فضای سیاسی و فرهنگی حاکم بر احساسات ضد مسلمان و پرتنش ایران - ایالات متحده است.

پژوهش‌های صورت‌گرفته بر آثار طنز مبتنی بر تئوری عمومی طنز کلامی، در ایران بسیار محدود است. برخی از این تئوری برای بررسی گونه‌های طنز منشور کوتاه بهره برده‌اند؛ مانند «بررسی طنز منشور در برخی از مطبوعات رسمی طنز کشور» نوشته

شریفی و کرامتی یزدی (۱۳۸۸). ایشان با بررسی شش متغیر منابع دانش بر طنزهای منشور، تقابل انگاره و مکانیزم منطقی را از عوامل همیشه‌حاضر در ساختار طنز منشور ایران دانسته‌اند.

نتایج مشابه در استفاده از این تئوری، در بررسی طنز شعر در تحقیق فرهنگی و جعفری (۱۳۹۶) دیده می‌شود. چنان که پیش از این اشاره شد، یکی از ویژگی‌های تئوری یادشده، قابلیت استفاده از آن برای تحلیل متون بلندتر و پیچیده‌تر است. کاربرد این روش را در بررسی داستان کوتاه می‌توان در پژوهش جابری اردکانی و حسینی (۱۳۹۴) دید. ایشان در تحقیق خود به بررسی شیوه طنزپردازی در دو مجموعه داستان از اکبر صحرايي - با تأکید بر دو متغیر تقابل انگاره و مکانیزم منطقی - پرداخته‌اند. گوناگونی تقابل انگاره‌ها و ارتباط بین آغاز و پایان در مکانیزم منطقی، از یافته‌های تحقیق ایشان است. در تحقیق دیگری، بای (۱۳۹۵) نیز به مقایسه نظریه‌های زبان‌شناختی طنز با استفاده از داده‌های طنز مطبوعات ایران پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های غیر فارسی، در دهه اخیر بهره‌گیری از تئوری عمومی طنز کلامی نسبت به دیگر تئوری‌های زبان‌شناختی، چشمگیرتر است. به عنوان نمونه، آرچاکیس و سکونا (۲۰۰۵) در مقاله خود به بررسی جوک‌های کلامی موجود در مکالمات روزمره گروهی از جوانان یونانی پرداختند. ایشان با بهره‌گیری از GTVH به بررسی طنزهای مختلف کلامی آنها (از قبیل مذهبی، اجتماعی و سیاسی و...) پرداخته و نشان داده‌اند که این جوانان چگونه با استفاده از طنز و هدف قرار دادن ارزش‌های بزرگسالان و اغراق در خرافاتی بودن آنها، به دنبال یافتن جایگاه خود در جامعه مدرن و گرفتن تأیید از همسالان خود از این طریق هستند.

اورتگا (۲۰۱۳) نیز از این تئوری برای بررسی طنز طعنه‌دار (کنایی) در محاورات و مکالمه‌ها استفاده می‌کند. تمرکز تحقیق اورتگا بیشتر بر بررسی تأثیر طنز کنایه‌دار بوده است و همچنین پاسخ به این پرسش که آیا در مکالمات، با هدف ایجاد ارتباط و استراتژی گفتمان، کنایه در طنز به کار می‌رود یا خیر؟

علی‌رغم نقدهایی که بر این نظریه وارد است، تا امروز تئوری عمومی طنز کلامی، همچنان بانفوذترین تئوری بررسی طنز به‌ویژه در تحلیل متن‌های بلندتر مانند داستان کوتاه، رمان و متون طنز ادبی به شمار می‌رود. یکی از منتقدان این نظریه، سوجی

(۲۰۱۸) در تحقیقی این ادعا را رد می‌کند و می‌گوید که این نظریه بیشتر روی جوک‌ها و متن‌های بسیار کوتاه طنز قابل استفاده است.

باید یادآوری کرد که در پژوهش ما، هر چند متن ظاهراً یک اثر بلند (عطر سنبل، عطر کاج) است، نوع تحلیل بدین شکل است که آن متن کلان به واحدهای کوچکی تقسیم شده است و هر واحد کوتاه، به صورت مستقل بررسی شده است. در همین جا باید تأکید کرد که طنز برخی آثار بلند در پیرنگ^۱ شکل گرفته است (برای نمونه داستان‌های کوتاه طنز اکبر صحرایی) و همچون اثر بلند بررسی شده در این تحقیق (عطر سنبل، عطر کاج) وابسته به «سطرِ جَبّ^۲» نیست. همچنین سوجی در برخی از طنزها، جایگاه هدف را بالاتر از تقابل انگاره در منابع ششگانه‌ای که آتاردو معرفی کرده می‌داند. او معتقد است که تا هدف جوک مشخص نباشد، تقابل انگاره، خنده‌دار به نظر نمی‌رسد (Saude, 2018: 39).

در این پژوهش نیز از آنجا که اغلب طنزهای جزایری دوما، هدف دارد و به ندرت تهی از تقابل انگاره است، ما هدف را به عنوان متغیر اصلی و مهم‌تر از تقابل انگاره در نظر گرفته‌ایم و بر مبنای ارتباط نظری میان هدف و هویت اجتماعی، به تحلیل و دسته‌بندی طنزهای جزایری دوما پرداخته‌ایم.

مروری بر مبانی نظری طنز

درباره فلسفه طنز و گونه‌های آن، سخنان بسیاری گفته شده است. نخستین نظریه که در طول سده‌ها از افلاطون و ارسطو تا قرن نوزدهم نظریه غالب بود، پذیرش اخلاقی و اجتماعی طنز را مدّ نظر داشت. این نظریه با عنوان «نظریه برتری یا تفوق^۳» شناخته شده است. یکی از نگرش‌های اصلی نسبت به موضوع خنده این بود که متفکران یونان بر اساس نظرهای خود درباره کمدی به عنوان سبکی در تئاتر، اساساً اعتقادی به خنده نداشتند. به‌ویژه اگر افراطی و استهزاآمیز بود که در این صورت آن را مبتذل می‌دانستند (موریل، ۱۳۹۲: ۳۵).

1. Plot
2. Jab line
3. Superiority Theory

افلاطون و ارسطو، هر دو طنز را مرتبط با جُرم، بی‌حرمتی و حماقت می‌دانستند و استهزا و مسخره کردن را محکوم می‌کردند و حتی بر آن بودند که طنز، خلاف فضیلت و آزادمنشی انسان است. به باور ایشان افراد طبقات بالا (محترم) باید توجه داشته باشند که طنز و خنده مربوط به گروه‌های پایین‌تر جامعه با شخصیت‌های ناسازگار اجتماعی و اخلاقی است. بنابراین باید با عقل مهار شود. به نظر این متفکران، شخصیت مسخره‌کننده، خود را برتر (پولدارتر، زیباتر و یا باهوش‌تر) می‌داند. در مجموع خنده از نظر آنها نوعی خبثت است که مُضِرّ و از این‌رو اشتباه است. تأکید ایشان بر یک لبخند شده بود «مناسب حال زُبدگان مهذب و متمدّن» (Attardo, 2017: 5).

قرن‌ها بعد، رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) و توماس هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹)، دو نظریه‌پرداز تأثیرگذار در طنز با توصیف ظاهر بیمارگونه طنز (افراطی) و تجزیه و تحلیل علل آن، بر اعتدال در آن تأکید کردند و شکل معتدل آن را در سلامت روحی افراد، مؤثر و مفید دانستند. البته پیش از ایشان، نویسندگان کلاسیک نیز به ارتباط بین طنز و سلامت روحی و جسمی اشاره کرده بودند. ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م.)، سیسرو (۱۰۶-۱۴۳ ق.م.) و پلینی^۱ (۶۱-۱۱۲ م.) معتقد بودند که اگر خنده به ایده‌های رفتاری مناسب و معتدل وابسته باشد، می‌تواند لذت و آرامش به ارمغان آورد.

از دیدگاه متفکرانی همانند کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) و هربرت اسپنسر (۱۸۲۰-۱۹۰۳)، خنده یک نیروی مثبت است که با تخلیه انرژی اضافی، باعث توازن در فرد می‌شود (همان: ۱۰). ایده خنده به عنوان تخلیه انرژی اضافی را بسیاری از نویسندگان و محققان حوزه طنز و کمدی در قرن بیستم پیگیری کردند و همچنین با روش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و به «نظریه تسکین» موسوم شد. آرتور کوستلر درباره «نظریه تسکین» یا «نظریه سوپاپ اطمینان»^۲ بدین صورت سخن گفت که از آنجا که برخی از احساسات مانند خشم، میل جنسی، بدبختی، غرور و غیره نیاز به خروجی دارند تا مهار شوند، طنز با ایجاد خنده، راه خروج آن احساسات سرکوب‌شده را می‌گشاید (Koestler, 1989: 472). بحث در اینکه چه نوع خنده‌ای از لحاظ اجتماعی و اخلاقی قابل قبول است، به تکمیل تئوری‌های پیشین در زمینه طنز انجامید. آتاردو (۲۰۱۷)، اصطلاح «سرگرمی» را

1. Aristotle, Cicero and Pliny the Younger

2. Safety-valve

به جای خنده، برای رویکرد شناختی^(۱) «نظریه عدم انطباق» به کار برد و در طنز به جای یک خنده تصادفی یا اتفاقی ناشی از موقعیت یا ویژگی‌های شخصی خنده‌دار (دلک)، بر «بدله هوشمندانه^۲» تأکید کرد.

«نظریه عدم انطباق» بر پایه چگونگی به وجود آمدن طنز، نام‌گذاری شده است. به نظر مارتین، «طنز زمانی اتفاق می‌افتد که بین درک حسّی ما و دانش ما درباره چیزی یا مفهومی، ناسازگاری یا عدم تطابق وجود داشته باشد» (Martin, 2007: 63). با توجه به این نظریه، خنده‌دار شدن طنز به غیر منتظره بودن «سطر ضربه^۳» وابستگی دارد. به نظر راسکین، سه نظریه یادشده در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه هر کدام پدیده طنز را از جنبه‌ای متفاوت بررسی می‌کند. در تقسیم‌بندی راسکین، نظریه برتری به ارتباط بین گوینده و مخاطب، نظریه تسکین به احساسات و مسائل روان‌شناختی مخاطب و نظریه ناسازگاری به توجه بر محرک می‌پردازند (Raskin, 1985: 40-41).

تئوری‌های اصلی زبان‌شناختی درباره طنز

نظریه‌های مهم زبان‌شناختی طنز عبارتند از: نظریه طنز انگاره‌معنایی^۴ (SSTH)، نظریه طنز هستی‌شناختی معنایی^۵ (OSTH) و تئوری عمومی طنز کلامی^۶ (GTVH). از آنجا که در این مقاله، متن مورد پژوهش (عطر سنبل، عطر کاج) بر مبنای نظریه سوم بررسی شده و این نظریه بر مبنای رفع کاستی‌های تئوری‌های قبل به وجود آمده، اشاره‌ای گذرا به نظریه‌های پیشین ضروری است.

نظریه طنز انگاره‌معنایی، نسل اول تئوری‌های زبان‌شناسانه طنز است که راسکین در سال ۱۹۸۵ ارائه کرد. این تئوری، رویکردی صرفاً زبان‌شناختی در مواجهه با جوک‌های کلامی دارد. در این نظریه از یک متغیر مشترک یا دانش عمومی یعنی «تقابل انگاره» برای بررسی طنزهای کلامی استفاده می‌شود (Attardo, 2017: 118).

1. Cognitive approach
2. Wit
3. Punch line
4. Semantic-Script Theory of Humor
5. Ontological Semantic Theory of Humor (OSTH)
6. General Theory of Verbal Humor (GTVH)

تئوری دوم با ایجاد ارتباط میان انسان و هوش مصنوعی یا فناوری سروکار دارد (همان: ۱۲۲). تقابلِ انگاره‌ها در این تئوری، بر اساس تفاوتِ فازی در داده‌ها (ناهمخوانی بافتِ متنِ موردِ بررسی و واژه یا جملهٔ طنزِ مندرج در آن) محاسبه می‌شود (ر.ک: Raskin & Taylor, 2009). از آنجا که این نظریه وابسته به فناوریِ هوش مصنوعی است، بسیاری از ابعادِ آن هنوز ناشناخته و در حال توسعه و تکمیل است.

بحث و بررسی

تئوری عمومی طنزِ کلامی

مهم‌ترین کاستی نظریهٔ طنزِ انگاره‌معنایی (تئوری نخست)، ضعف در تمییز دادنِ طنزِ کلامی (دارای ایهام^۱) و طنزِ ارجاعی (بدون ایهام) و جوک‌های مشابه (جوک‌هایی که کم‌وبیش شبیه هم هستند) بود. نظریهٔ یادشده با وجود مزایای آشکار نسبت به سایر نظریه‌های زبان‌شناختیِ طنز، نظریهٔ کاملی نبود. بنابراین «نظریهٔ عمومی طنزِ کلامی» شکل گرفت. در نظریهٔ عمومی طنزِ کلامی، شش متغیّر پایه با عنوان «منابع دانش» برای تجزیه و تحلیلِ متون طنز به کار گرفته شد. مزیتِ استفاده از این نظریه در آن است که با داشتنِ متغیّرهای بیشتر برای بررسیِ یک متن، تحلیلِ دقیق‌تر و کامل‌تری ارائه می‌دهد (Attardo, 2017: 126).

عبارتِ «عمومی» در نظریهٔ عمومی طنزِ کلامی، مبینِ این است که این تئوری برخلاف نظریهٔ طنزِ انگاره‌معنایی که فقط به معنا یا محتوا محدود است، در بردارندهٔ طیف وسیع‌تری از اطلاعاتِ آوایی، مورفولوژیکی و غیره (در متغیّر زبان)، ساختارِ متن (در شیوهٔ روایت)، اطلاعاتِ جامعه‌شناختی (در هدف)، اطلاعاتِ ادراکی (در مکانیزم منطقی) و غیره است. بنابراین، تئوری عمومی طنزِ کلامی می‌تواند متون بلندتر و متنوع‌تری را تجزیه و تحلیل کند و فقط محدود به جوک‌ها یا طنزهای کوتاه نمی‌شود. آتاردو، این منابع را به ترتیب به صورت زیر فهرست کرده است:

1. Pun

تقابلِ انگاره
مکانیزمِ منطقی
موقعیت
هدف
شیوهٔ روایت
زبان

(Attardo, 2017: 128)

ما در این پژوهش تمامی این متغیرهای ششگانه را در مثال‌های مورد بررسی در نظر گرفته‌ایم. بنابراین در ادامه به تعریف هر یک از آنها خواهیم پرداخت.

تقابلِ انگاره: مفهوم تقابلِ انگاره همانند «تئوری عدم تطابق» است و در همان دسته-بندی قرار می‌گیرد. این متغیر، اصلی‌ترین و همچنین انتزاعی‌ترین بخش منابع دانش است. راسکین، سه سطح انتزاعی برای تقابلِ انگاره معرفی می‌کند: ممکن / غیر ممکن، طبیعی / غیر طبیعی، واقعی / غیر واقعی (Raskin, 1985: 113).

مکانیزم منطقی: این مفهوم را آتاردو و راسکین (۱۹۹۱) معرفی کردند. مکانیزم منطقی، متغیری اختیاری در تئوری عمومی طنز کلامی است که منجر به تجزیه و تحلیل ناسازگاری بین انگاره‌های متقابل می‌شود. مثلاً در طنز بی‌معنی یا چرند، مکانیزم منطقی وجود ندارد. همچنین تحلیلی که در مکانیزم منطقی صورت می‌گیرد، جدی، کامل و واقعی نیست، بلکه تفکیکی جزئی و طنزگونه است.

مکانیزم‌های معرفی‌شده شامل انواع مختلفی مانند مجاورت^۱ و قیاس^۲ (Attardo & Raskin, 1991: 307)، اغراق^۳، ترسیم^۴ و نتیجه^۵ (Paolillo, 1998: 270) تا انواع پیچیده‌تری مانند استدلال معیوب^۶، وارونگی^۷ (Attardo & Raskin, 1991: 304) و غیره می‌شود.

1. Juxtaposition
2. Analogy
3. Exaggeration
4. Mapping
5. Consequence
6. Faulty Reasoning
7. Reversal

موقعیت: موقعیت، پس‌زمینه‌ای است که در آن حوادث متن شوخی رخ می‌دهد. بافت متن^۱، شامل افراد، اجزا، گروه‌ها و یا نهادهای مورد تمسخر است. «موقعیت» هیچ ارتباطی با «شرایط محیطی یا مکانی»^۲ ندارد و در تعریف آتاردو (۲۰۱۷) موقعیت روی هم‌رفته یک «کلان‌نگاره»^۳ است (Attardo, 2017: 132). اما برخی از صاحب‌نظران معتقدند که در طنزی که لازمه فهمیدن جوک، درک چند موقعیت متفاوت است، نمی‌توان تنها یک موقعیت واحد در نظر گرفت (ر.ک: Ritchie, 2004; Oring, 2011).

هدف: منظور از هدف، به طور کلی انسان یا فعالیت‌های انسانی (در رابطه با نهادها، شیوه‌ها، باورها و...) است که مورد تمسخر یا انتقاد قرار می‌گیرد. این متغیر، واضح‌ترین متغیر در منابع ششگانه دانش و به راحتی قابل تشخیص است. هدف، یک متغیر اختیاری است؛ بدین معنا که نیازی نیست تا حتماً همه متون طنز دارای هدف باشند. طنز بدون هدف، طنزی است که فروید (۱۹۹۱) آن را شوخی «بدون گرایش»^۴ یا به عبارت ساده، شوخی غیر تهاجمی می‌نامد (فروید در حوزه طنز^۵).

شیوه روایت: این متغیر به استراتژی یا شیوه بیان طنز اشاره دارد. اینکه طنز در چه قالبی بیان شده است: به صورت یک داستان ساده، مکالمه، سؤال و جواب، چیستان‌گونه، یک تناوب سه‌مرحله‌ای و غیره.

روزین و همکاران (۲۰۰۶)، انواع شیوه‌های روایت منابع دانش را در ۱۱۵۷ جوک بررسی کردند. ۷۲/۲٪ با الگوی AAB یعنی تناوب سه‌مرحله‌ای بودند (مثلاً دو جمله جدی و یک جمله نهایی که باعث خنده در مخاطب می‌شود که به آن سطر ضربه می‌گویند). ۲۰/۵٪، الگوی AB را نشان می‌داد (شوخی شامل یک جمله جدی و به دنبال آن یک سطر ضربه) و فقط ۷/۳٪ از لطیفه‌ها در الگوی AAAB جای گرفت (یعنی سه جمله جدی و یک سطر ضربه که در انتها می‌آید که خلاف انتظار و خنده‌دار است). میزان خنده‌دار بودن این الگوها نیز آزمایش شد که به ترتیب AAB، AAAB و AB بودند. تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار بود. در تجزیه و تحلیل متون طنز طولانی‌تر، یک

1. text
2. context
3. Macro Script
4. non-tendentious
5. Humor in Freud

مدل پیشرفته مورد نیاز بود. با توجه به این موضوع، در تئوری عمومی طنز کلامی در بحث از شیوه روایت، اصطلاح جدید «سطرِ جَبّ^۱» برای تعیین طنز درون متن معرفی شد. در مقایسه با سطرِ ضربه که همیشه در انتهای متن قرار دارد، سطرِ جَبّ درون متن ظاهر می‌شود (Attardo, 2017: 13).

با استفاده از متغیر «ساختار روایت» و نیز اصطلاح جدید «سطرِ جَبّ»، پژوهشگران ادبیات و طنز، در حال حاضر چارچوب نظری واحدی دارند که می‌تواند به تحلیل هرگونه متن طنز کلامی از جمله رمان، داستان کوتاه، داستان‌های تلویزیونی، نمایشنامه، فیلم‌ها و همچنین جوک‌ها بپردازد.

زبان: شامل انواع واژگان در سطوح آوایی، ساختاری، لغوی، صرفی و نحوی است. این اطلاعات همچنین شامل اطلاعات آماری درباره فراوانی واحدها و تناوب یا تکرار آنها در سطح زبان‌شناختی است.

نظریه عمومی طنز کلامی و هویت اجتماعی

هویت، مفهومی مستقل نیست. تئوری هویت اجتماعی با این دیدگاه سروکار دارد که هویت به یک فرد تعلق ندارد، بلکه «از تعامل بین فرد و یک موقعیت ساخته می‌شود» (James, 1980: 85). هویت همیشه در حال تغییر است. وقتی ما در زندگی با افراد جدید روبه‌رو می‌شویم، با چالش‌های جدید، دانش جدید، کشورهای جدید و فرهنگ‌های جدید، هویت ما دگرگون می‌شود. فرد می‌تواند به عنوان مثال یک دانش‌آموز، یک کودک، عضوی از یک گروه قومی و مذهبی یا یک مادر باشد. او می‌تواند بر اساس هنجارهای یک گروه عمل کند، اما در عین حال بین هویت‌های مختلف، تغییر چهره دهد و همزمان با چند هویت حرکت کند تا بتواند بخشی از گروه‌های مختلف باشد (Egeland, 2012: 2). شکل‌گیری هویت نوجوان در کشور و فرهنگ جدید، امری پیچیده و دشوار است. افزون بر این چالش‌های هویتی برای دختران و زنان بسیار پیچیده‌تر و سخت‌تر است (Erikson, 1968: ۱۰۰).

گودنو و اسپین معتقدند که نوجوان مهاجر به سه حالت، هویت خود را می‌سازد (Goodenow & Espin, 1993: 175-176): ۱- فرهنگ مقصد را کاملاً رد می‌کند؛ به زبان

مادری سخن می‌گوید و روابط اجتماعی را محدود به هم‌ملیتی‌های خود می‌نماید و با ایده‌آل دانستن فرهنگ اصیل خود، سبک زندگی آمریکایی را نقد می‌کند و در نهایت دچار تنهایی و بیگانگی می‌شود. ۲- به سرعت خود را با فرهنگ کشور مقصد تطبیق می‌دهد و شبیه آنان می‌شود؛ مثل آنها لباس می‌پوشد، نام خود را عوض می‌کند و رفتار، فرهنگ و خانواده خود را رد می‌کند؛ او سبک زندگی آمریکایی را ایده‌آل و سنت‌های خود را غلط می‌داند. البته این رفتار با توجه به جنسیت، متفاوت است. بر اساس نظر گیلیگن، استقلال در پسران جوان با ترک و خروج از خانواده شکل می‌گیرد و برعکس در دختران جوان با ارزش دادن به خانواده و با در کنار آنها ماندن. دختران در عین حال برای استقلال، تلاش و مبارزه می‌کنند (Gilligan, 1988: 149). دو حالت یادشده منجر به شکل‌گیری ساختار غلط هویتی در فرد می‌شود. ۳- ارزیابی فرهنگ گذشته و حال و انتخاب گزینه‌هایی از هر دو فرهنگ که ارزش نگه داشتن یا از دست دادن داشته باشد. برای نوجوانان مهاجر که در ده سال گذشته تعدادشان در مدارس آمریکا به سرعت در حال رشد بوده است، ایجاد یک هویت ثابت و محکم به معنی حرکتی فعال بین فرهنگ گذشته و فرهنگ جدید است (Goodenow & Espin, 1993: 173).

همچنین باید به رابطه بسیار نزدیک طنز، هویت و قومیت نیز توجه کرد. قومیت در قالب‌های مختلف، موضوعی مشترک برای طنز است. در طول تاریخ، جوک و طنز قومی - نژادی در بسیاری از جوامع دیده می‌شود. نژاد و طنز به صورت‌های مختلف با هم در ارتباطند. طنزی که درباره یک اقلیت قومی - نژادی ساخته می‌شود، طنزی که گروه‌های نژادی به خود نسبت می‌دهند و طنزی که گروه‌های نژادی با آن، افراد خارج از گروه خود را هدف قرار می‌دهند (Weaver, 2014: 1).

از سویی دیگر تعداد زیادی از مطالعات اخیر نشان داده است که طنز به طور اتّفاقی و صرفاً جهت تفریح و سرگرمی اتفاق نمی‌افتد، بلکه ابزاری است مؤثر برای بیان، یافتن و یا شکل‌گیری هویت (ر.ک: Liechty 1995, Norrick 1993). در همین باره، براون و لویسون معتقدند که «از آنجا که جوک‌ها بر پایه دانش و ارزش‌های مشترک و متقابل ساخته می‌شوند، می‌توانند برای تأکید بر آن ارزش‌ها و زمینه‌های مشترک مورد استفاده قرار گیرند» (Brown & Levinson, 1987: 124). هولمز نیز یکی از شایع‌ترین کارکردهای اجتماعی طنز را ساختن همبستگی و هویت گروهی می‌داند (Holmes, 2000: 159).

از این دیدگاه در این پژوهش، خاطرات طنزآمیز فیروزه جزایری دوما در «عطر سنبل، عطر کاج» که نتیجه تعامل روزمره او با اطرافیان است، مطالعه شده است. جزایری دوما، خاطراتش را در نوجوانی و تحصیل در مدارس آمریکا تا ازدواج و مادر دو فرزند شدن بازگو می‌کند. مطالعه اثر طنزآمیز وی، دغدغه‌ها، مشکلات و مسائل پیش روی یک مهاجر به عنوان یک نوجوان، جوان، زن، همسر، مادر و عضوی از جامعه جدید بودن و چگونگی شکل‌گیری هویت او را نشان می‌دهد. احساس تعلق به یک گروه و هدف قرار دادن افراد درون گروه، برون‌گروه و خود با ابزار طنز، عملی است که می‌تواند با در نظر گرفتن متغیر هدف، در شکل‌گیری ساختار هویت او (و نیز خواننده اثرش) مؤثر باشد.

ما در ادامه بخش‌های حاوی «سطر جب» در کتاب جزایری دوما را ذیل دو عنوان آورده‌ایم. این عنوان‌ها با در نظر گرفتن متغیر هدف - که چنان که پیشتر اشاره شد، برای ما در این پژوهش اهمیت کلیدی دارد - و دوره زندگی نویسنده، انتخاب شده است. این دوره‌ها، از منظر هویت اجتماعی، مهم‌ترین دوره‌های زندگی جزایری دوما به شمار می‌آید.

هویت مهاجر نوجوان

اکثر نوجوانان آمریکایی، فرایند تشکیل هویت را با ایجاد روابط با همسالان به عنوان راهی برای کسب استقلال از والدین طی می‌کنند. پیش از این اشاره شد که در این فرایند، مهاجران نوجوان با توجه به موقعیت قومی - نژادی‌شان دچار مشکلات بسیار زیاد و پیچیده - ای می‌شوند (Goodenow & Espin, 1993: 175). طنز جزایری دوما به شیوه‌ای خلاقانه، گاه با هدف‌گیری خویش و گاه با هدف قرار دادن دیگران، گواه این مسئله است. او می‌گوید وقتی در اتوبوس با بچه‌های تقریباً هم‌سن و سال خود برای اولین بار به سفر می‌رفتیم: «من تنها نشسته بودم و توی دلم آرزو می‌کردم شخص مهربانی کنارم بنشیند و با من دوست شود. هیچ‌کس کنارم ننشست. کاملاً حس می‌کردم چقدر به بچه‌های دیگر خوش می‌گذرد» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۵۳). پسری که در صندلی پشت نشسته است، از او می‌پرسد:

مثال ۱:

«ببینم تو زیاد به زمین نگاه می‌کنی؟»

گفتم: نه، چطو مگه؟

خوب بینی‌ات حسابی سرپایینه، فکر کردم واسه اینه که همیشه زمین

رو نگاه می‌کنی» (همان: ۵۳).

بررسی طنز بالا بر اساس متغیرهای «نظریه عمومی طنز کلامی» به طور خلاصه به این صورت است:

جدول ۱- خلاصه منابع دانش برای مثال ۱

تقابل انگاره	به زمین نگاه کردن/ بینی سرپایین به زمین نگاه نکردن/ بینی سربالا
مکانیزم منطقی	استدلال معیوب
موقعیت	اتوبوس، در میان همسالان
هدف	خود
زبان	معمولی
شیوه روایت	مکالمه، سؤال و جواب

نویسنده با هدف قرار دادن خود، به ظاهر متفاوت نژادی خویش اشاره می‌کند که باعث خنده یا مسخره شدن از سوی همسالان شده است.

مثال ۲:

یکی از همکلاسیانش از او مدام می‌پرسد که آیا در ایران شتر دارند و او در پاسخ می‌گوید:

«[بله!] یک کوهانه و دو کوهانه. یک کوهانه مال پدر و مادرم بود و دو کوهانه را به عنوان استیشن خانوادگی همه با هم سوار می‌شدیم. کجا آنها را نگه می‌داشتید؟
گفتم: معلومه! توی گاراژ» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۴۱).

جدول ۲- خلاصه منابع دانش برای مثال ۲

تقابل انگاره	شتر وسیله نقلیه/ ماشین وسیله نقلیه
مکانیزم منطقی	مقایسه غلط (تعمیم دادن پیش‌زمینه‌های مربوط به ماشین به شتر)
موقعیت	کلاس و مدرسه
هدف	هم کلاسی آمریکایی
زبان	معمولی
شیوه روایت	مکالمه

راوی در مثال بالا با هدف قرار دادن هم‌کلاسی خود، ناآگاهی او را از وضعیت کشورش به سخره می‌گیرد و این کار، احساس برتری و اعتمادبه‌نفس به او می‌دهد. از طرف دیگر، او با بیانی طنزآمیز از خاطرات مضطرب یا خجل‌کننده گذشته خود سخن می‌گوید. جزایری دوما، جایی دیگر آنگاه که گم شدن خود در کودکی در یک پارک را بازگو می‌کند، در حالی که گریه‌کنان در محل گم‌شدگان منتظر آمدن پدر و مادرش است، با چنین رویدادی مواجه می‌شود:

مثال ۳:

«چند دقیقه بعد در باز شد و یک پسر بچه جیغ جیغو آمد تو... گروه دلداری دویدند طرف او، ولی معلوم شد پسرک، انگلیسی بلد نیست... یکی از زن‌ها به طرف من برگشت و با یک لبخند پرسید: این پسر مال کشور شماسه؟ دوست داشتم بگویم... آه... بله... می‌دانید امروز در کشور ما «روز ملی گم‌کردن بچه‌ها در دیزنی‌لند» است (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۲۷).

جدول ۳- خلاصه منابع دانش برای مثال ۳

ندارد	تقابل انگاره
حاضر جوابی	مکانیزم منطقی
محل گم‌شدگان	موقعیت
یک زن آمریکایی	هدف
معمولی	زبان
داستان	شیوه روایت

نویسنده، تجربه کودکی هفت‌ساله - که در پارک گم شده است - و احساس او نسبت به واکنش اطرافیان را در غالب طنز می‌آورد. این کار از یکسو موجب تسکین و از سوی دیگر با همراه کردن خواننده با خود در خندیدن، باعث ایجاد همبستگی عاطفی بین خود و خوانندگان (با نژادهای متفاوت) می‌شود. همچنین جزایری دوما در بیان خاطرات نوجوانی خود، هم‌کلاسیان و جامعه آمریکایی را نیز در برخی موارد، هدف طنز خود قرار می‌دهد:

مثال ۴: اسم فیروزه که مادرم انتخاب کرده، در فارسی نوعی سنگ گرانبهاست، توی آمریکا یعنی «غیر قابل تلفظ» یا:

«من با تو حرف نمی‌زنم، چون اسمت را یاد نمی‌گیرم و نمی‌خوام هر دفعه آن را بپرسم، چون به نظر خنگ می‌آیم یا شاید تو دلخور شوی و خلاصه در دسر دارد» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۷۲).

جدول ۴- خلاصه منابع دانش برای مثال ۴

معنی نام / معنی نام نه (واکنش به نام)	تقابل انگاره
اغراق	مکانیزم منطقی
بافت متن	موقعیت
هم‌کلاسیان و جامعه آمریکا	هدف
معمولی	زبان
داستان	شیوه روایت

از آنجا که الزام به تلفظ درست نام‌ها در جوامع چندملیتی، راهی برای نشان دادن احترام و ارتباط درست و سالم است، فیروزه اسم‌ها و صداها را به ادویه‌جات تشبیه می‌کند و معتقد است که داشتن اسم خارجی در بین اسم‌های بومی، مثل داشتن چاشنی یا طعم «درد» در بین دیگر ادویه‌جات است.

مثال ۵:

«یکی از مربی‌های مدرسه بچه‌هایم از یاد گرفتن اسم «غیر ممکن» من خودداری می‌کرد. به جایش می‌گفت: «F» [اول اسم فیروزه] او اخیراً به نیویورک منتقل شد. جایی که ممکن است چندتایی مهاجر ببینند... شاید قفسه ادویه‌جاتش کمی جا باز کند» (همان: ۷۴).

جدول ۵- خلاصه منابع دانش برای مثال ۵

عدم توجه / مجبور به توجه	تقابل انگاره
استدلال صحیح، قیاس (استدلال: اجبار، راهی برای اصلاح)	مکانیزم منطقی
متن داستان	موقعیت

هدف	افراد بی‌اعتنا به اقلیت‌های قومی - نژادی
زبان	معمولی
شیوه روایت	داستانی

در مثال بالا، جزایری دوما با هدف قرار دادن آدم‌های بی‌توجه به آداب و فرهنگ ارتباطات اجتماعی، به‌ویژه در جوامع چندملیتی، اجبار و زور را راهی برای اصلاح می‌داند. جزایری دوما بی‌توجهی خانواده خود نسبت به فرهنگ یا مسائل فرهنگی را به صورت‌های مختلف بیان کرده است. مانند:

مثال ۶:

«عبدالله مرد کتابخوانی بود؛ انسانی بامعلومات که از آموختن برای نفس آموختن لذت می‌برد. به زبان عربی مسلط بود و به ریشه‌های زبان‌شناسی علاقه زیادی داشت. در عطش کسب این معلومات از باقی فامیل متفاوت بود. تنها ریشه‌های مورد علاقه فامیل ما سیب‌زمینی، تربچه و شلغم بود» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۹۸).

جدول ۶- خلاصه منابع دانش برای مثال ۶

تقابل انگاره	ریشه لغات در زبان‌شناسی / ریشه خوراکی
مکانیزم منطقی	استدلال صحیح از فرضیه‌های غلط
موقعیت	بافت متن
هدف	خانواده خود
زبان	کنایی
شیوه روایت	جوک (یا تناوب AAAB) با سطر ضربه

پدرش کیسه‌خوابی را که حراج شده بود، برایش می‌خرد که گویا حجم بزرگ آن نسبت به بقیه کیسه‌خواب‌ها علت حراج شدنش بود. باید برای آن، یک جاکیس‌های می‌گرفتند ولی پدرش به او «اطمینان داد توی خانه یک کیف برایش پیدا می‌کند» (همان: ۵۲). در حالی که برای پیدا کردن کیسه‌ای بزرگ درگیر بودند:

مثال ۷:

«بالاخره پدر با ذهن مهندسی‌اش یک راه‌حل درخشان پیدا کرد: یک

کیسه زباله گنده» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۹۸).

جدول ۷- خلاصه منابع دانش برای مثال ۷

تقابل انگاره	ذهن خلاق / ذهن بخیل
مکانیزم منطقی	استدلال معیوب، کنایه
موقعیت	بافت متن
هدف	یک زن آمریکایی
زبان	کنایه
شیوه روایت	فن ضد اوج و کنایه

ترکیب «ذهن مهندسی»، خواننده را کنجکاو و ترغیب به دانستن راه حل می کند؛ اما جزایری دوما این انتظار را با سطر ضربه «کیسه زباله بزرگ» کاملاً درهم می ریزد. هر چند فیروزه به عنوان نوجوان، ارزش ها و افکار پدر و مادرش را رد می کند، در عین حال برای آنها احترام قائل است. در طنز جزایری دوما، «سیرت یا اخلاقیاتی پنهان» (ر.ک: Bergmann, 1986) وجود دارد. در مثال بالا، خلق پنهان پشت ذهن مهندسی، بخل است. مثالی دیگر برای این موضوع آنگاه روی می دهد که جزایری دوما تلاش پدرش را در درس خواندن، در قالب طنز تحسین می کند:

مثال ۸:

«در طول سال تحصیلی، پدر روزهای [کاری] هفته را درس می خواند و تعطیلات آخر هفته را [بیشتر درس می خواند]» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۹۳).

جدول ۸- خلاصه منابع دانش برای مثال ۸

تقابل انگاره	انجام دادن / انجام ندادن
مکانیزم منطقی	کنایه
موقعیت	بافت متن
هدف	پدر جزایری دوما
زبان	معمولی
شیوه روایت	تناوب دومرحله ای AB (یک جمله ساده و بعد یک «سطر ضربه»)

در تناوب بالا، جمله اول انگاره تلاش و کار در روزهای کاری هفته را ارائه می‌دهد و جمله دوم، خلاف انتظار خواننده پیش می‌رود. یعنی منتظریم بشنویم که تعطیلات آخر هفته تفریح می‌کرد.

در سفر خود به فرانسه در فرودگاه به خاطر ایرانی بودن تفتیش شد و دیرتر از بقیه بیرون آمد. شخصی با پلاکار نام او بیرون منتظر او بود.

مثال ۹:

«تا حالا کجا بودی؟»

من یک VIP هستم؛ یک Very Iranian Person و تشریفات برای ما کمی بیشتر طول می‌کشد» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

جدول ۹- خلاصه منابع دانش برای مثال ۹

مهم بودن / مهم نبودن	تقابل انگاره
ترسیم، جایگزین مشابه	مکانیزم منطقی
باقت متن	موقعیت
ملیت خود	هدف
کنایه	زبان
مکالمه	شیوه روایت

در مثال‌های بالا به ترتیب: خود، همکلاسی‌اش، یک آمریکایی، پدر و ملیت خود را هدف طنز قرار داده است. پیوسته مورد سؤال و یا خنده اطرافیان قرار گرفتن، مسئله‌ای است که نویسنده به عنوان کودک و یا نوجوان متعلق به یک اقلیت قومی با آن درگیر بوده است.

شکل‌گیری هویت اجتماعی به عنوان یک زن

جزایری دوما، داستان خود را با ناکامی مادرش در پیدا کردن ایران در نقشه جغرافیای جهان شروع می‌کند. سپس دیدگاه خود را درباره زنان هم‌عصر مادرش ارائه می‌دهد که حتی اگر هم می‌خواستند درس بخوانند، نمی‌توانستند چون «هدف اصلی، پیدا کردن شوهر» و «داشتن هنرهایی مثل چای دم کردن و باقلوا پختن بود» (همان: ۱۱). نویسنده «عطر سنبل، عطر کاج» گاه با هدف قرار دادن زنان درون‌گروه (زنان ایرانی و

فامیل خود) و گاهی زنان برون‌گروه (زنان غربی) به دنبال ایجاد و معرفی هویت اجتماعی خویش به عنوان یک زن است. برای نمونه او با هدف قرار دادن یک کتابدار کتابخانه دانشگاه برکلی می‌نویسد:

مثال ۱۰:

«این زن صاحب زشت‌ترین بینی دنیا بود... به نظر می‌رسید بینی‌اش را با منقار یک پرنده عجیب تاخت زده... [احتمالاً] جایی در اعماق جنگل‌های گرمسیری برزیل بر فراز یک درخت انبه، توکانی با بینی انسانی زندگی می‌کند» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

جدول ۱۰- خلاصه منابع دانش برای مثال ۱۰

تقابل انگاره	زن کتابدار/ پرنده توکان بینی انسان/ منقار پرنده
مکانیزم منطقی	ترسیم، امکان جایگزین مشابه
موقعیت	بافت متن
هدف	زن کتابدار کتابخانه دانشگاه برکلی
زبان	معمولی، روایت ساده داستانی
شیوه روایت	یک تناوب سه‌مرحله‌ای AAB با یک «عبارت جب»

جزایری دوما این شوخی را ادامه می‌دهد و چیزی که جزایری دوما را به شگفت/خشم آورده، اعتماد به نفس بالای آن کتابدار و نوع راه رفتن اوست که مثل «ملکه زیبایی» بود. نویسنده از خود می‌پرسد: «چرا او عقده ندارد؟» (همان). جمله آخر، چنان که در معرفی منابع شش‌گانه ذکر شد، «جب» نامیده می‌شود. چنان که پیش از این اشاره شد، این عبارت را که در وسط یک روایت داستانی می‌آید، آتاردو برای نشان دادن خطوط طنز تعبیه شده لابه‌لای دیگر خطوط داستان‌های بلند به کار برد. او از این اصطلاح به جای «سطر ضربه» که آخرین جمله خنده‌دار در جوک‌هاست، استفاده کرد. در مثال ۱۰، مکانیزم منطقی به این شرح است که اگر یک انسان بینی‌اش را با منقار توکان تاخت زده است، پس احتمالاً یک توکان در جنگل‌ها دارد با بینی آن انسان زندگی می‌کند. جزایری دوما در ادامه می‌گوید:

مثال ۱۱:

«در فرهنگ ایرانی، بینی زن بسیار مهم‌تر از ابزار تنفسی است، سرنوشت اوست» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

جدول ۱۱- خلاصه منابع دانش برای مثال ۱۱

تقابل انگاره	بینی ابزار تنفس/ بینی سرنوشت
مکانیزم منطقی	استنباط نتیجه (نوعی استدلال معیوب)
موقعیت	بافت متن (شرایط مکانی ندارد)
هدف	فرهنگ ایرانی
زبان	معمولی
شیوه روایت	به صورت جوک در روایت داستان با یک تناوب دومرحله‌ای AB (با یک «ضربه»)

سطرِ ضربه «سرنوشت اوست»، طنزی است درباره اهمیت بینی برای زنان با اعتمادبه‌نفس پایین که با زبان اغراق، نقش بینی در زندگی‌شان بیش از عملکرد فیزیکی و تعیین‌کننده سرنوشت آنهاست.

مثال ۱۲:

«بچه که بودم فکر می‌کردم طبیعی است هر وقت عکسی گرفته می‌شود، داد بزنند «از نیم‌رخ بگیر!». بینی خودم از نوعی است که می‌توانستم هم کلاسیانم را با نکه داشتن یک مداد و پاک‌کن در فاصله بینی و دهانم سرگرم کنم» (همان: ۱۶۴).

جدول ۱۲- خلاصه منابع دانش برای مثال ۱۲

تقابل انگاره	ندارد
مکانیزم منطقی	خودتخریبی ^۱
موقعیت	قسمت اول: بافت متن و قسمت دوم: کلاس و سرگرم کردن هم‌کلاسی‌ها
هدف	خود او و دیگر دختران ایرانی
زبان	معمولی
شیوه روایت	داستان

نویسنده با بهره‌گیری از طنز «خودتخریبی» درباره‌ی ظاهر و بینی‌اش، خودش را نیز در بین هم‌گروهیان (زنان ایرانی) می‌بیند. طنز خودتخریبی، یکی از رایج‌ترین طنزهاست که طنزپرداز یا کم‌دین، خود یا خانواده‌اش را هدف می‌گیرد. این کار تنها به منظور نزدیک شدن، خنداندن و ایجاد رابطه‌ی صمیمی با خوانندگان یا مخاطبان است. همچنین در این نوع طنز، فرد می‌تواند راحت‌تر پیغام خود را به مخاطب برساند. در پایان شب عروسی خود، جزایری دوما بعد از پرتاب دسته‌گل عروسی‌اش، آن را در دست مهمانی غریبه می‌بیند. مادرش می‌گوید: «عمه زری او را آورد و فکر کرد شاید توی عروسی تو کسی را ببیند. من که چشمم آب نمی‌خورد. واقعاً دراز است.»

مثال ۱۳:

«فقط می‌توانستم امیدوار باشم عروسی‌ام معجزه‌ی کوچکی برای این مهمان ناخوانده باشد. دوست دارم فکر کنم او بالاخره یک شوهر پیدا کرد. شاید یک دکتر ایرانی ق‌دبلند یا شاید یک کاسب مکزیکی ق‌دکوتاه با قلبی بزرگ یا یک کتاب‌فروش دوره‌گرد کاتولیک ایرلندی ق‌دمتوسط که خانواده‌اش فکر کنند او بهترین اتفاق در زندگی پسرشان است. اما بدون توجه به نژاد شوهرش، یک چیز قطعی‌ست: که اگر او ازدواج کند، یک جفت از گوسفندهای ایران [کم می‌شود]» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

جدول ۱۳- خلاصه منابع دانش برای مثال ۱۳

انسان / حیوان (گوسفند)، دختر ایرانی / شوهر ایرلندی (شخصیت کلیشه‌ای)	تقابل انگاره
استدلال معیوب، قیاس غلط	مکانیزم منطقی
بافت متن	موقعیت
دختر ایرانی	هدف
کنایی	زبان
داستان با عبارات جب	شیوه روایت

از نظر جزایری دوما، آدم‌ها با این نوع نگرش نسبت به ازدواج، با گوسفند قابل مقایسه‌اند. در عین حال او گوشه‌ای به شخصیت کلیشه‌ای ایرلندی زده است. در انگلیس، ایرلندی نماد حماقت و خنگی است که در جوک‌های عامیانه به کار می‌رود. البته این نوع هدف قرار دادن در طنزها، جنبهٔ خشونت‌آمیز طنز را نمایان می‌کند. جزایری دوما به همراه یک زن فرانسوی برای دیدن رژهٔ خیابان شانزله‌لیزه می‌رود. زن، لباس تنگ و یقه‌باز قرمز رنگ پوشیده.

مثال ۱۴:

«هر نفسی که می‌کشید، انتظار داشتیم سینه‌ها خود را آزاد کرده و بیرون بیایند و همراه ما رژه را تماشا کنند [...] توجه تمام لات‌ولوت‌های شهر را جلب کرده بودیم. همین‌طور که نوئل توی خیابان اور و اطوار می‌ریخت، فکر کردم می‌توانیم از رژه چشم‌پوشی کنیم، چون خودمان یکی‌اش را راه انداخته‌ایم» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

جدول ۱۴ - خلاصه منابع دانش برای مثال ۱۴

تماشای رژه / تماشای رژه نه (راه انداختن رژه)	تقابل انگاره
اغراق	مکانیزم منطقی
خیابان	موقعیت
زن فرانسوی	هدف
کنایی	زبان
داستان	شیوهٔ روایت

مثال ۱۵: جزایری دوما در مجله‌ای تصاویر زنان را در کنار موضوعات متفاوت می‌بیند:

«در تمام تصاویر، زنان را به نمایش گذاشته بودند، البته به شکلی روشن‌فکرانه. برای یک مطلب [...] دربارهٔ گونه‌های در حال انقراض آفریقا، بومی‌ها ایستاده بودند در کنار صفی از مدل‌های سفیدپوست با سینه‌های عریان که ماسک آفریقایی زده بودند. برای نمایش گل‌های وحشی، چه راهی بهتر از اینکه چند مدل نیمه‌برهنه را رنگ بنفش بزنیم و بنشانیم

کنار گل... [برای آگهی تبلیغاتی] مدلی تیره پوست نشسته بود روی تپه‌ای از دانه‌های قهوه، هر دو بدون پوشش بودند، هم دانه‌ها و هم مدل» (جزایری دوما، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

جدول ۱۵- خلاصه منابع دانش برای مثال ۱۵

تقابل انگاره	زن / زن نه (بزار نمایش)
مکانیزم منطقی	استنباط نتیجه
موقعیت	تصاویر یک مجله و در بخش‌هایی بافت متن
هدف	۱- سیستم تبلیغات و دیدگاه تجاری ۲- زن
زبان	معمولی
شیوه روایت	ساده داستانی

جلب توجه و استفاده ابزاری در مجلات و تبلیغات، نکته‌ای است که نویسنده با زبان طنز به مخاطب می‌رساند. در عبارت جب، راه‌حلی طنزآمیز برای نشان دادن گل‌های وحشی بنفش ارائه می‌دهد: زنان را نیز رنگ بنفش بزنیم و کنار گل‌ها بنشانیم. و بعد مقایسه دانه‌های قهوه و زن سیاه‌پوست.

مثال ۱۶:

«رقابت لباس شنا، نقطه مقابل تمام چیزهایی است که در دنیا درست و قابل احترام است. همیشه به ما گفتند که زیبایی در درون است... اما می‌شود لطفاً این لباس شنا را بپوشید با این کفش‌های پاشنه‌بلند یک دوری بزنید تا زیبایی درون شما را بسنجیم؟» (همان: ۱۷۹).

جدول ۱۶- خلاصه منابع دانش برای مثال ۱۶

تقابل انگاره	واقعیت / غیر واقعیت، ارزش / ضد ارزش
مکانیزم منطقی	استدلال معیوب، اغماض بدیهی
موقعیت	مسابقه انتخاب زن سال
هدف	سیستم تبلیغات و دیدگاه تجاری به زن
زبان	معمولی
شیوه روایت	بیان مغایر در روایت ساده داستانی

ارزش واقعی، زیبایی درون است و ضد ارزش، تبلیغ و رواج برتری ظاهری و به نمایش گذاشتن آن است. انگاره اول، اشتباه بوده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش کوشیده‌ایم تا با معرفی مبانی نظری (فلسفه) و روش‌های علمی تحلیل متون طنز به تحلیل اثری طنز از یک نویسنده مهاجر ایرانی - آمریکایی بپردازیم. متن مورد پژوهش، یکی از برجسته‌ترین آثار در حوزه خاطره‌نویسی ادبی (طنز)، ادبیات مهاجرت و ادبیات زنانه به شمار می‌آید. تئوری عمومی طنز کلامی، علی‌رغم کاستی‌هایی که دارد، کارآمدترین نظریه برای تحلیل متون طنز است. دو نظریه اساسی طنز، یعنی نظریه عدم تطابق و نظریه برتری در حوزه تحلیل تئوری عمومی طنز کلامی ترکیب شده است. به عبارت دیگر، نظریه اخیر نه تنها در توصیف ماهیت و شناخت طنز (به عنوان مثال طنز به عنوان ناسازگاری) موفق است، بلکه می‌تواند حداقل در نشان دادن برخی از جنبه‌های اجتماعی آن (یعنی طنز به عنوان خصومت یا اصلاح اجتماعی) نیز نقش اساسی داشته باشد.

ما با استفاده از این نظریه و البته با در نظر گرفتن نقدهایی که بر آن وارد است، متغیر «هدف» - که یکی از متغیرهای شش‌گانه تئوری عمومی طنز کلامی است - را به عنوان مبنای تحلیل اثر مورد بررسی در نظر گرفته‌ایم. متغیر هدف علاوه بر اینکه می‌تواند مشخص‌ترین متغیر در میان دیگر متغیرها باشد و بر دقت تحلیل بیفزاید، با نظریه‌های مربوط به هویت اجتماعی قابل پیوند است و کارکرد طنز را نیز نشان می‌دهد. تحقیق حاضر با در نظر گرفتن متغیر «هدف» در خطوط طنز «عطر سنبل، عطر کاج»، دیدگاه نویسنده را نسبت به افرادی که با آنها در ارتباط بوده است نشان می‌دهد. جزایری دوما در اثر یادشده، هویت خود را با هدف قرار دادن هم‌کلاسیان، پدر و مادر و افرادی که با آنها به عنوان یک مهاجر در ارتباط بوده، در قالبی طنزآمیز آشکار می‌کند و زندگی‌نامه او علاوه بر اینکه چگونگی شکل‌گیری هویت او را نشان می‌دهد، دیدگاه او را نسبت به رفتارهای «مناسب» و «نامناسب» نیز می‌نماید. بنابراین مطالعه متغیر هدف، کارکرد اخلاقی طنز (اصلاح فردی و اجتماعی) را نیز نشان می‌دهد.

بررسی طنز او، دیدگاهش را درباره زنان ایرانی و غیر ایرانی نشان می‌دهد و همچنین بیانگر آن است که او در نهایت با انتخاب برخی رفتارها - که به نظر او مناسب‌اند - از دو فرهنگ درون‌گروه و برون‌گروه به هویتی جدید و انتخابی می‌رسد. هویتی که نه او را از ارزش‌های گذشته خود دور و نه او را در فرهنگ جدید گوشه‌گیر و منزوی کند. تأثیر طنز کلامی جزایری دوما بر خود او، ساختن و شناساندن هویت خویشان است، اما می‌تواند موجب ایجاد همبستگی گروهی بین خوانندگان نژادهای مختلف و به‌ویژه مخاطبان زن شود.

پی‌نوشت

۱. مطالعات نوین در زمینه شناخت که با فرایندهای ذهنی سروکار دارد.

منابع

- بای، علی (۱۳۹۵) «مقایسه نظریه‌های زبان‌شناسی طنز با استفاده از داده‌های طنز مطبوعات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- جابری اردکانی، سید ناصر و اسما حسینی (۱۳۹۴) «شیوه طنزپردازی در دو اثر از کربلایی صحرايي با تکیه بر نظریه عمومی طنز کلامی»، نشریه ادبیات پایداری، طنز کلامی، دوره هفتم، شماره ۱۲، صص ۶۱-۸۱.
- جزایری دوما، فیروزه (۱۳۸۵) عطر سنبل، عطر کاج، محمد سلیمانی‌نیا، تهران، قسه.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۷) طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام، تهران، بهبهانی.
- شریفی، شهلا و سریرا کرامتی یزدی (۱۳۸۸) «بررسی طنز منثور در برخی از مطبوعات رسمی طنز کشور بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی»، زبان و ادب پارسی، شماره ۴۲، صص ۱۰۹-۱۳۱.
- علینقی‌زاده طلائی، مونا (۱۳۹۳) دوگانگی خود/دیگری و غرب/شرق، خوانش تطبیقی سعیدی آب با انواع توت‌ها اثر جرج لمینگ و بامزه در فارسی فیروزه جزایری دوما، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- فرهنگی، سهیلا و اکبر جعفری (۱۳۹۶) «طنز کلامی در شعر فرانوی اکبر اکسیر»، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، دوره ششم، شماره ۲۱، صص ۹۵-۱۰۷.
- مردی، سید محمد و سیروس امیری (۱۳۹۳) «ساختار شکنی یادنگاشت زن ایرانی در عطر سنبل عطر کاج اثر فیروزه جزایری دوما»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره نوزدهم، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۲۲.
- موریل، جان (۱۳۹۲) فلسفه طنز (بررسی طنز از منظر دانش، هنر و اخلاق)، ترجمه محمود فرجامی و دانیال جعفری، تهران، نی.

- Archakis, A. Tsakona, V (2005) "Analyzing Conversational Data in GTVH Terms, A new Approach to the Issue of Identity Construction via Humor". *Humor*, vol.18, no. 1, pp. 51- 68.
- Attardo, S (2017) *The Routledge Handbook of Language and Humor*. New York, Routledge.
- Attardo, S., Raskin, V (1991) Script Theory Revis(it)ed, Joke Similarity and Joke Representation model. *HUMOR, International Journal of Humor Research*. 4. 293-347.
- Bergmann, M (1986) "How many feminists does it take to make a joke? Sexist humor and what's wrong with it". *Hypatia*, p. 63- 82
- Brown, P., and Levinson S.C (1987) *Politeness, Some Universals in Language Usage*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Egeland, M. G (2012) "The Process of Identity in Three Immigrant Memoirs." MA Thesis. University of Oslo.
- Erikson, E (1968) *Identity, Youth and Crisis*. New York, Norton.

- Freud, S (1991) "Jokes and their relation to the unconscious". Strachey, J (Trans.) Harmondsworth, Penguin.
- Gilligan, C (1988) Exit-voice dilemmas in adolescent development. In C. Gilligan, J. V. Ward, J. M. Taylor, & B. Bardige (Eds.), Mapping the moral domain, A contribution of women's thinking to psychological theory and education (pp. 141-158)
- Goodenow, C. and Espin, O.M. (1993). "Identity Choices in Immigrant Adolescent Females." *Adolscence*, vol 28, no. 109, pp. 173-184.
- Hai, A (2018) Laughing with an Iranian American Woman, Firoozeh Dumas's Memoirs and the (Cross-) Cultural Work of Humor, *Journal of Asian American Studies*, 21(2), pp. 263-300
- Holmes, J (2000) Politeness, power and provocation, How humour functions in the workplace. *Discourse Studies* vol.2, no.2, 159–185. Humor in Freud, <https://en.wikipedia.org>
- James, E. M (1980) 'Identity in Adolescence', in Adelson, J. *Handbook of Adolescent Psychology*. New York, Wiley, pp. 109-137.
- Koestler, A (1989) *The act of creation*. Harmondsworth, Penguin
- Liechty, M (1995) 'Media, markets and modernization, Youth identities and the experience of modernity in Kathmandu, Nepal'. In Amit-Talai, Vered, and Helena W (eds.), *Youth Cultures, A Cross-Cultural Perspective*. London, Routledge, 166–201.
- Martin, R.A. (2007). *The psychology of Humor, An Integrative Approach*. USA, Elsevier Inc.
- Nojoumian, A (2014) Deconstruction of Diasporic Identity, Translating Process in Firoozeh Jazayeri Dumas' *Funny in Farsi*. *Herfeh, The Artist*, No. 50, pp. 169-175.
- Norrick, N. R (1993) *Conversational Joking. Humor in Everyday Talk*. Bloomington, Indiana University Press.
- Oring, E (2011) Parsing the joke, The general theory of verbal humor and appropriate incongruity. *Humor*, vol. 24, no.2, 203–222.
- Ortega, M.B.A (2013) "An Approach to Verbal Humor in Interaction". *Social and Behavioral Science*, 95, pp. 594- 603.
- Paolillo, John C (1998) Gary Larson's *Far Side*, Nonsense? Nonsense! *Humor, International Journal of Humor Research* 11(3), 261–290
- Raskin, V (1985) *Semantic mechanisms of humor*. Dordrecht, Reidel.
- Raskin, V., & Taylor, J.M (2009) *The (not so) unbearable fuzziness of natural language, The ontological semantic way of computing with words*. NAFIPS, Cincinnati, OH.
- Ritchie, G (2004) *The Linguistic Analysis of Jokes*. London, Routledge.
- Rozin, P., Rozin, A., Appel, B., & Wachtel, C (2006) Documenting and explaining the common AAB Pattern in music and humor, *Establishing and breaking expectations. Emotion*, 6(3), 349–355.
- Saude, C. J (2018), *Application of the General Theory of Verbal Humor to texts in The Onion*. PhD Thesis. University of Oslo.
- Weaver, S (2014) *Ethnicity and Humor*. *Encyclopedia of Humor Studies*. Sage Publications.